گزارشگر: اسدالله مشایخی

آنچه والدین و مراقبان کودکان باید دربارهٔ تربیت

گزارشی از کارگاه آموزش تربیت‌جنسی با سخنان دکتر راضیه معصومی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی

اشاره

پدران و مادران سرزمینِ ما و نیز مراقبان کودکان، معمولاً درک درست و شناخت کافی از رفتار جنسی کودکان ندارند. آن‌ها از برخیِ رفتارهای جنسی کودک، یا کاملاً بی‌اطلاع‌اند یا مهارت کافی برای برخورد با این‌گونه رفتارهای کودک خود ندارند. از آنجا که رفتار جنسی در انسان از همان ابتدای تولد به صورت خودبه‌خودی بروز می‌کند، شناخت این نوع رفتارها برای والدین و مراقبان کودک لازم است. آگاهی از این رفتارها به آموزش و مهارت‌آموزی نیاز دارد. شناختِ رفتار جنسی کودکان توسط خانواده‌ها و به ویژه پدران و مادران و مراقبان کودک، باعث می‌شود آن‌ها با فراگیری راه‌های درستِ مواجهه و مقابله، به جهت‌دهی و مدیریت بهینهٔ این بعد از شخصیت فرزند خود بپردازند و از این‌رو شکل‌گیری شخصیت سالم‌تر و کامل‌تر کودکان را در آینده تضمین کنند.

بر این اساس، به نظر می‌رسد برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی برای والدین و مراقبان کودک در کشور جهت رشد بهینه و مطلوب جنسی این گروه لازم است و این امر در دراز مدت متضمن تربیت نسلی سالم‌تر و جامعه‌ای پویاتر خواهد بود. در همین راستا «کارگاه تربیت جنسی کودکان صفر تا ۷ ساله» با هدف آشنا کردن خانواده‌ها و مراقبان کودکان با رفتارهای جنسی این گروه سنی، به کوشش کلینیک سلامت جنسی مجتمع دارویی درمانی سازمان هلال احمر ایران برگزار شد. خانم دکتر راضیه معصومی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، فوق دکترای رفتارشناسی جنسی و دکترای تخصصی بهداشت باروری، به‌عنوان مدرس دربارهٔ رفتارهای جنسی کودکان صفر تا ۷ ساله سخن گفت.

تکامل در دوران کودکی

خانم دکتر معصومی سخنان خود را با چگونگی بروز رفتارهای جنسی به اشکال مختلف و به عنوان بخشی از روند تکامل طبیعی روانی ـ جنسی در دوران کودکی، آغاز کرد و گفت: «این رفتار را کودک یا با خودش بروز می‌دهد یا در قالب بازی‌های کودکانه‌ای مثل «دکتر بازی» یا «مامان بازی» با همین بازی‌های خود تجربه می‌کند.» به گفتهٔ او، تظاهرات جنسی مثل نعوظ خودبه‌خودی آلت تناسلی در جنین‌های پسر حتی پیش از تولد هم نمود دارد. پس، می‌توان گفت رفتار جنسی در انسان از بدو تولد (حتی پیش‌تر از آن) تا زمان مرگ وجود دارد؛

فقط شـــکل و نحوهٔ تظاهر رفتار از سنی به سن دیگر متفاوت است. وی در ادامه گفت: مسئلهٔ مهم این است که والدین و مراقبان کودک با انواع تظاهرات جنسیتی و رفتارهای جنسی کودکان آشنا باشند و بـــا برخورداری از دانش زمینه‌ای و پایه در این خصوص، قدرت تشخیص و تمیز رفتار جنســـی عادی یا طبیعی را از غیر طبیعی داشته باشند اما از آنجا که مسائل جنسی در جامعهٔ ما و بسیاری از جوامع دیگر ـ که از نظـــر فرهنگی و اجتماعی ساختاری شـــبیه به جامعهٔ ما را دارند ـ با محدودیت‌هایی روبه‌روســـت، والدین و مراقبـــان کودک در مواجهه با این‌گونه رفتارهای او یا خود را به ندیدن می‌زنند یا سکوت اختیار می‌کنند. در مواردی هم برخوردهایی کاملاً نامناســـب و نادرست انجام می‌دهنـــد و به ندرت پیش می‌آید که والدین و یا مراقبان کودک بدانند در مواقع برخورد با امور جنسی کودکان چه کنند یا از چه کســـی مشاوره بگیرند. به این ترتیب، دســـتیابی والدین و مراقبان کودک به حد مطلوبی از دانش و مهارت در مدیریت رفتارهای جنسی در این دورهٔ سنی ضروری است.

صفر تا ۷ سال جنسی بدانند

تحقیقات نشان داده است که تربیت و آموزش جنسی کودکان و نوجوانان می‌تواند به کسب دانش لازم، ایجاد بینش و نگرش مثبت و کسب مهارت برای مدیریت رفتارهای جنسی و نیز حفاظت از خود در برابر آسیب‌های احتمالی منجر شود

تربیت کودکان

خانـــم دکتـــر معصومـــی در ادامه بر ضرورت تربیت جنسی کودکان از همان دوران طفولیت تأکید بیشتری کرد و آن را زیربنای خوبی برای آموزش جنســـی و مدیریت بلوغ و رفتارهای جنســـی در دوران نوجوانی و جوانی فرزندان دانست. وی گفـــت: «اگر والدین به اصول تربیتی جنسی واقف شوند و آن را به‌کار گیرند، قادر خواهند بود در آینده فرزندانِ نوجوان و حتی جوان خود را در مسائل جنسی به خوبی مدیریت و هدایت کنند.»

ایشان همچنین با رویکردی گذشته‌نگر ضرورت تربیت جنســـی را این‌گونه مورد تأکیـــد قـــرار داد: «یکـــی از دلایل مهم بروز نارضایتی‌های زناشـــویی، نارضایتی جنسی اســـت که این امر خود ریشه در تأمین نشـــدن انتظارات و خواسته‌های جنسی زوجین دارد. فقدان دانش صحیح جنســـی، سیســـتم نگرش جنسیتی و جنسی نادرست و نبود مهارت کافی برای برقراری روابط جنسی از جمله مهم‌ترین مشـــکلات در حوزهٔ ســـلامت جنســـی بزرگســـالان و زوجین در جامعهٔ ماست که اگر نگوییم همـــه، بخش عمده‌ای از این مشکلات با به‌کارگیری اصول تربیت جنســـی در دوران کودکـــی و آمـــوزش جنســـی در دوران نوجوانـــی و جوانـــی قابل پیشـــگیری اســـت. به اعتقاد خانم معصومی بهترین زمان تربیت جنســـی همان دوران کودکی است. او این آموزش را سرمایه‌گذاری برای آیندهٔ فرزندان در دوران نوجوانی و جوانی و پیش از ازدواج می‌داند و معتقد است که سلامت از جمله حقوق ابتدایی و سلامت جنسی از حقوق پایهٔ او محسوب می‌شود. تحقیقات نشان داده اســـت که تربیت و آموزش جنسی کودکان و نوجوانان می‌تواند به کســـب دانش لازم، ایجاد بینش و نگرش مثبت و کسب مهارت برای مدیریت رفتارهای جنســـی و نیز حفاظت از خـــود در برابر آســـیب‌های احتمالی منجر شـــود. وی در ادامه گفت: «به ســـبب اینکه انســـان موجودی چند بعدی اســـت، تربیت ابعاد مختلفی دارد و تربیت جنســـی هم یکی از ابعاد مهمی اســـت که به بعد جنسی برمی‌گردد. تربیت جنســـی یعنی رشد و بارور کردن ظرفیت‌ها و استعدادهای هر آنچه به بُعد جنسی انسان مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، طـــی این فرایند فرد به درک درستی از جنسیت، نقش جنسیتی و جنسی خود می‌رســـد و سکچوالیتی[1] وی در مســـیر درست و هدفمند هدایت می‌شـــود. علاوه بر دســـتیابی به درک صحیح، نگرش فرد نسبت به این مسائل نیز به طور درســـتی ســـاخته می‌شود و نیـــز فرد به توانمندی لازم برای مدیریت رفتـــار جنســـی و حفاظـــت از خود در موقعیت‌های مختلف و حتی خطرســـاز دســـت می‌یابد. تربیت جنســـی باید از بدو تولـــد در برنامهٔ مراقبتی کودک قرار گیرد و والدیـــن یا مربیان مهد دوره‌های آموزشی لازم را در این زمینه بگذارند.»

ایشان همچنین ادامه داد: «وقتی صحبت از آموزش جنســـی می‌شود، برخی افراد فکر می‌کنند که منظـــور یاد دادن نحوهٔ برقراری رابطهٔ جنســـی به نوجوان است. این برداشت نادرســـت است و ریشه در نگاه محدود، تنگ نظرانه و صرفاً تناسلی به مسائل جنسی دارد. محوریت آموزش جنسی نیز همانند تربیت جنسی بر ایجاد درک صحیح از بعد جنسی، کسب دانش صحیـــح و نگرش مثبت نســـبت به این مسائل و نیز توانمند کردن نوجوان برای مدیریت رفتار جنسی و حفاظت از خود و نیز بهره‌مندی از رشد مطلوب جنسی و برخورداری از حس مثبت نسبت به این بعد وجودی اســـتوار است. لازمهٔ آموزش

جنسی نوجوان، برخورداری او از اطلاعات صحیح علمی و متناسب با سن و مرحلهٔ بلوغ خود است که این کار در وهلهٔ اول بر عهدهٔ والدین و معلمان و مربیان مدارس می‌باشد. هر چند که سایر نهادهای جامعه نیز می‌توانند در این زمینه مؤثر و کارآمد باشند.»

در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان متوجه رفتارهای جنسی کودکان شد، دکتر معصومی به این موارد اشاره کرد: «خودتحریکی، نگاه کردن به دیگران و علاقه‌مندی به بدن عریان، بازی‌های جنسی نظیر «دکتر بازی» و «عروس بازی» و لمس دیگران شایع‌ترین موارد در بروز رفتارهای جنسی درکودکان است. این رفتارها زمانی عادی تلقی می‌شوند که خودبه‌خودی، متناسب با سن کودک و به‌طور نامنظم رخ دهند. درمواردی هم که کودک با هم‌بازی خود مشغول بازی‌هایی با ماهیت جنسی است، چنانچه بازی یا اقدامی که درحال انجام است با توافق طرفین و بدون اعمال خشونت و ترس واضطراب برای یکی از طرفین باشد و نیز کودکان از نظر سنی و جنسی شبیه هم باشند، می‌توان این رفتار را عادی و طبیعی تلقی کرد. همان‌طور که گفته شد، هدف از آموزش جنسی این نیست که عملکرد جنسی را به کودک یاد دهیم یا اتفاقی را که افراد بزرگ‌تر تجربه می‌کنند به او تفهیم کنیم بلکه باید با توجه به سن و جنسیت کودک، از رفتار جنسی‌ای که از خود بروز داده است، برای آموزش وی استفاده نماییم. برای مثال، هنگامی که می‌خواهید لباس عوض کنید و بچه کنجکاو است بدن لخت شما را ببیند، آن هنگام است که باید حفظ حریم خصوصی را یاد بگیرد یا زمانی که از روی کنجکاوی جنسی بیش از حد متعارف به برخی نقاط خصوصی بدن مادر خود دست می‌زند، در اینجا نوع گفت‌وگوی مادر با کودک را و اینکه این گفت‌وگو چگونه انجام شود، والدین باید یاد بگیرند. همچنین اینکه در چنین موقعیتی چه بگویند و چگونه بگویند. در همین سناریویی که توضیح داده شد، پدر یا مادر باید از موقعیت برای آموزش حریم خصوصی به کودک استفاده کنند. والدین در مواجهه با چنین رفتاری ازکودک باید به او القا کنند که تو دستت را در حریم خصوصی من گذاشتی و بعد حریم خصوصی را بدین صورت برای کودک تشریح کنند که حریم خصوصی یعنی جاهایی از بدن که هیچ کس به جز خودت و در نهایت مامان و بابا، آن هم اگر شرایط خاصی پیش بیاید، نباید به آن دست بزنند. این نوع تعامل باعث می‌شود کودک از همان کودکی یاد بگیرد که کسی اجازه ورود به حریم خصوصی او را ندارد و او هم اجازه ندارد وارد حریم خصوصی دیگران شود. در ادامهٔ آن گفت‌وشنود، مادر باید به آرامی دست کودک را از جای قبلی بردارد و در قسمت دیگری از بدن ـ که جز حریم خصوصی مادر نیست ـ بگذارد. این نوع رفتار علاوه بر آموزش حریم خصوصی، به تأمین نیازهای روانی-عاطفی کودک از راه تماس بدنی و جسمی با مادر منجر می‌شود. یادمان باشد که تأمین نیازهای روانی-عاطفی کودک از طریق ابزار محبت کلامی و غیر کلامی به ویژه با رفتارهایی نظیر در آغوش گرفتن، نوازش کردن و بوسیدن کودک توسط والدین به تکامل ابعاد روانی و جنسی او کمک زیادی می‌کند.

مراقبت از کودکان

موضوع دیگری که خانم معصومی دربارهٔ رفتارهای جنسی کودکان به آن اشاره کرد، این بود که رفتار جنسی عادی رفتاری است خوداکتشافی و کودک خودش آن را درمی‌یابد و به دنبال درک احساسی خوشایند از انجام این رفتار، کودک به تکرار آن ترغیب می‌شود. علت این ترغیب قصد و نیت و انگیزهٔ جنسی شبیه به آنچه در بزرگسالان اتفاق می‌افتد نیست بلکه کودک به تجربه متوجه می‌شود که اگر ناحیهٔ تناسلی‌اش را تحریک کند و یا آن را به جای سفت مثل زمین، تشک یا صندلی بمالد، حس خوب و توأم با لذتی را درک خواهد کرد. این رفتار بدون هیچ قصد و نیت قبلی و نه از نوع جنسی تکرار می‌شود و فرایند آن کاملاً خودبه‌خودی یا رفلکسوژنیک[۲] است. کودک بدون آنکه بداند این کار ماهیت جنسی دارد، آن را انجام می‌دهد یا تکرار می‌کند. این رفتار منجر به انتقال پیغام‌های جنسی از پایین (ناحیهٔ تناسلی) به بالا (مغز به‌عنوان مهم‌ترین ارگان جنسی و محل درک لذت) در کودک می‌شود. بنابراین، مواجههٔ والدین با این‌گونه صحنه‌های رفتاری کودکان نباید سبب قضاوت جنسی شود بلکه والدین با کسب دانش در زمینهٔ رفتار جنسی کودک، باید با استفاده از رفتارهای جایگزین از تکرار این‌گونه رفتارها پیشگیری کنند.

به اعتقاد این کارشناس رفتارهای جنسی، نقش مراقبان کودک در تربیت جنسی اگر از والدین پررنگ‌تر نباشد، کم‌رنگ‌تر هم نیست. وی ضمن اشاره به این موضوع گفت: «یک کودک در بالاترین حد باید توسط سه نفر مراقبت شود: پدر، مادر و نفر سومی که جایگزین والدین خواهد بود که معمولاً مربی مهد کودک است. مراقبت ازکودک توسط بیش از سه نفر در همهٔ زمینه‌های تربیتی به‌ویژه تربیت جنسی مشکل‌آفرین خواهد بود.» دکتر معصومی با اشاره به سبک زندگی امروزی خانواده‌ها تشریح کرد: «کودک صبح در مهدکودک است، ساعت ۱۲ به بعد نزد مادربزرگ، خاله، عمه، خانم همسایه و... است و تا به خانوادهٔ اصلی خود برسد، چند دست می‌چرخد. این شرایط با اصول تربیت جنسی کودک در یک راستا نیست؛ زیرا برای آموزش و تربیت جنسی، والدین و یا مراقب کودک باید با هماهنگی قبلی به طرح سناریوهای آموزشی و تربیتی بپردازند و این سناریوها را در حضور کودک پیاده کنند. از طرفی، حضور کودک در فضاهای مختلف و ارتباط و تعامل با افراد متفاوت هم از نظر سنی و هم از نظرجنسی از جمله موارد مهم دیگر است. هم‌بازی‌شدن کودک با کودک دیگری که چند سال از او بزرگ‌تر است ممکن است منجر به بروز رفتارهای

عکاس: غلامرضا بهرامی

جنسی پنهان و غیرمنطبق با سن کودک شود و لذا خطر آسیب جنسی را در کودک بالا می‌برد.» خانم معصومی درپایان به عوامل مخدوش کنندهٔ تکامل سالم جنسی درکودکان اشاره کرد و سابقهٔ قربانی شدن جنسی در گذشته، محیط پرتنش و توأم با اضطراب خانوادگی، خشونت والدین علیه هم و یا علیه فرزند، وابستگی نامتعارف فرزند به والدین، رشد کم مهارت‌های اجتماعی (بچه‌هایی که مدام از حضور در جمع و رفتارهای جمعی منع شده‌اند)، مواجههٔ کودک با فیلم‌ها، کلیپ‌ها و صحنه‌های جنسی چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی را از جملهٔ مهم‌ترین عوامل خدشه به تکامل جنسی کودک دانست.

او در پایان گفت: «متأسفانه در حال حاضر نه والدین زیربار مسئولیت تربیت و آموزش جنسی کودکان و نوجوانان ما می‌روند نه نظام آموزش‌وپرورش ما. زیرا رویکرد غالب این است که این موضوع فطری است و بنابراین، تکامل جنسی بچه‌ها هم به فطرتشان واگذاشته شده است. این درحالی است که به دنبال رفتارهای مبتنی بر سعی و خطا، احتمال بروز آسیب‌های زیادی وجود دارد. این تفکر در مدیریت رفتارهای جنسی در نسل‌های قبلی شاید به ظاهر موفق بوده است اما قطعاً برای نسل امروز با توجه به نقش وسایل ارتباط جمعی پاسخ‌گو نخواهد بود. همچنین، دور باطلی نیز در این زمینه بین والدین و اولیای مهدکودک و مدرسه برقرار است؛ به گونه‌ای که والدین این مسئولیت را به دوش اولیای مهد و مدارس می‌اندازند و به عکس. حتی اگر اولیای مدرسه هم در این زمینه فعالیتی داشته باشند، به دلیل نبود تعامل میان والدین و مربیان و معلمان در زمینهٔ محتوا و چگونگی اجرای چنین برنامه‌ای، تأثیرگذاری آن در خور توجه نخواهد بود. ایشان با تأکید مجدد بر نقش خانواده و اولیا و مربیان، از مهدکودک‌ها و مدارس به‌عنوان دورکن مستقیم و تأثیرگذار در زمینهٔ سلامت جنسی کودکان و نوجوانان، نام برد و در این زمینه ما نیازمند برنامه‌ریزی مبتنی بر الگوهای فرهنگی و دینی و به عبارتی «بومی» برای کشورمان هستیم. استفاده از متخصصان و مشاوران متبحر در این زمینه گام مهمی در تأمین سلامت جنسی کودکان و نوجوانمان خواهد بود. باید بیاموزیم که به‌جای رفتارهای پلیسی و سرکشی دائمی و تعقیب و گریز با کودک و نوجوان خود رفتارهای جنسی آن‌ها را بشناسیم، آن را بخشی از روند تکامل طبیعی تلقی کنیم و بکوشیم با درک بهتر رفتارهای جنسی، فرزندانمان را هدایت، مدیریت و جهت‌دهی کانالیزه کنیم و از این طریق آنان را در مسیر زندگی جنسی سالم قرار دهیم. دستیابی به این اهداف جز با توانمندسازی والدین و اولیا و مربیان مهدکودک‌ها و مدارس از راه آشنا کردن آنان با اصول و مبانی و راهبردهای تربیت جنسی کودکان میسر نمی‌شود.

تربیت جنسی باید از بدو تولد در برنامهٔ مراقبتی کودک قرار گیرد و والدین یا مربیان مراکز پیش‌دبستانی باید دوره‌های آموزشی لازم را در این زمینه بگذرانند

پی‌نوشت‌ها

1. Sexuality
2. reflexogenik